

# رم چشم‌انداز را تعیین می‌کند - شماره دوازده

کاربرد سه‌گانه پیشگویی: رجاست ویرانگر و هشدار روزهای آخر برای گریختن

Jeff Pippenger

2024-08-31

رجاست ویرانگر که دانیال نبی از آن سخن گفت، نشانه‌ای است برای مسیحیان در سه دوره متفاوت تا بگریزند. مسیحیان اورشلیم هنگامی گریختند که پرچم‌ها و نشان‌های سپاهیان روم را دیدند که در سال ۶۶ میلادی اورشلیم را در محاصره گرفته بودند. مسیحیان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی وقتی «مرد گناه» را در هیکل خدا دیدند که اعلام می‌کرد او خداست، به بیابان گریختند. در سال ۱۸۸۸ مجموعه‌ای از قوانین مربوط به یکشنبه توسط سناتور بلر به کنگره ایالات متحده معرفی شد. آن لویج را لویج بلر می‌نامیدند و تلاشی بودند برای معرفی یکشنبه به عنوان روز ملی عبادت. عبادت در روز یکشنبه نشان وحش است، نشان اقتدار پاپی، و قانون اساسی ایالات متحده به طور مستقیم با تحمیل یک دین ملی به عنوان آزمونی برای شهروندان ایالات متحده مخالفت می‌کند.

این همان واقعیتی است که در کاربست معیوب مرتبط با شناسایی ایالات متحده به عنوان روم مدرن نادیده گرفته می‌شود. کاربست سه‌گانه پیشگویی دارای قواعد مشخصی است که بر شیوه به‌کارگیری آن حاکم‌اند. این قواعد بیان می‌کنند که ویژگی‌های پیشگویانه تحقق نخست باید با ویژگی‌های پیشگویانه تحقق دوم ترکیب شوند تا ویژگی‌های پیشگویانه تحقق سوم تعیین گردد.

هشدار برای فرار، هشدار است برای گریختن از جفایی که در راه است. در روزگار مسیح، آن جفا همان ویرانی اورشلیم و هیکل در سال ۷۰ میلادی بود. نشانه هشداردهنده آن جفای قریب‌الوقوع در سال ۶۶ میلادی داده شد. هشدار فرار در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم، به گفته پولس، عبارت بود از تشخیص ارتداد پرگاموس نبوتی که نمایانگر روم بت‌پرست بود. نخست باید ارتدادی رخ می‌داد تا مرد گناه که خود را خدا اعلام خواهد کرد، آشکار شود. در تاریخ منتهی به ۵۳۸، روم بت‌پرستی که بازدارنده بود — یا به بیان پولس «بازمی‌دارد» — از میان برداشته شد، و با سقوط پرگاموس نشانه فرار فرا رسید و مؤمنان را راهنمایی کرد تا از مشارکت کلیسای کلیساهای پاپی جدا شوند. سپس در سال ۵۳۸، در شورای اورلئان، قدرت پاپی قانون یکشنبه را تصویب کرد و ۱۲۶۰ سال آزار و جفای پاپی آغاز شد.

دو شاهد نخست به روشنی نشان می‌دهند که سومین تحقق هشدار مسیح برای گریختن، پیش از آزار و اذیت واقعی رخ داده است. ویرانی اورشلیم دقیقاً سه سال و نیم پس از آغاز محاصره سستیوس در سال ۶۶ میلادی رخ داد و بدین‌سان به مسیحیان امکان داد که پیش از هولناکی‌های محاصره دوم، که به دست تیتوس برپا شد و با ویرانی معبد و شهر پایان یافت، بگریزند. پیش از سال ۵۳۸ میلادی، مسیحیان از کلیسای روم پاپی جدا شدند و به‌گونه‌ای نبوی به بیابان گریختند؛ امری که نماد ویرانی اورشلیم روحانی است.

اما صحن بیرونی هیکل را بیرون بگذار و آن را مسنج، زیرا به غیریهودیان داده شده است؛ و آنان شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند کرد. و به دو شاهد خود قدرت خواهم داد تا در جامه پلاس، هزار و دویست و شصت روز نبوت کنند. مکاشفه ۱۱:۲، ۳.

در هر دو نمونه هشدار برای گریختن، هشدار پیش از جفا می‌آید، و جفا به وسیله روم — خواه مشرک خواه پاپی — تصویر می‌شود که اورشلیم — چه زمینی و چه روحانی — را لگدمال می‌کند. هشدار گریختن برای ادونتیست‌های روز هفتم، لایحه بلر در سال ۱۸۸۸ بود. در نخستین تحقق در تاریخ روم

مشرك، مسیحیان می‌بایست از اورشلیم بگریزند، و در تحقق روم پاپی، مسیحیان به بیابان گریختند. برای ادونتیسیم، هشدار این بود که به روستاها بگریزند.

اکنون زمان آن نیست که قوم خدا دل خود را به دنیا ببندند یا گنج خود را در جهان ببندوند. دیری نخواهد پایید که، همچون شاگردان نخستین، ناگزیر شویم در مکان‌های متروک و دورافتاده پناهگاهی بجویم. چنان‌که محاصره اورشلیم به دست سپاهیان روم نشانه فرار برای مسیحیان یهودیه بود، به همان‌سان به کارگیری قدرت از سوی ملت ما در صدور فرمانی که اجرای اجباری سبت پاپی را مقرر می‌کند، برای ما هشدار خواهد بود. در آن هنگام وقت ترک شهرهای بزرگ خواهد بود، تا به‌عنوان مقدمه‌ای برای ترک شهرهای کوچک‌تر، به خانه‌های خلوتی در جاهای دورافتاده میان کوه‌ها کوچ کنیم. شهادتات، جلد ۵، ۴۶۴.

عبارت "به دست گرفتن قدرت از سوی ملت ما در فرمانی که رعایت سبت پاپی را اجباری می‌کرد، برای ما هشدار خواهد بود" هنگامی تحقق یافت که رجم ویرانگر، مطابق با کلام مرقس، "در جایی که نباید، ایستاده بود". در سال ۱۸۸۸، کنگره ایالات متحده در حال بررسی قانونی بود که به‌طور مستقیم با یکی از اصول بنیادین قانون اساسی در تضاد بود و در همان زمان، ادونتیسیت‌های روز هفتم می‌بایست شهرها را ترک کرده و به مناطق روستایی نقل مکان کنند.

«هیچ مسیحی‌ای در هنگام ویرانی اورشلیم هلاک نشد. مسیح به شاگردانش هشدار داده بود و همه کسانی که به سخنان او ایمان داشتند در انتظار نشانه وعده داده شده بودند... بی‌درنگ به مکانی امن گریختند—شهر پلا، در سرزمین پرتا، آن سوی رود اردن.» مناقشه بزرگ، 30.

ویژگی‌های نبوی نخستین نشانه هشدار برای فرار، نمایانگر تحقق سوم و نهایمی‌اند. گاهی همان ویژگی‌های نبوی در تحقق سوم، به تحقق دوگانه می‌انجامند. نمونه آن، سه ایلیا است. الگوی ایلیا در رویارویی او با ایزابل، آخاب و پیامبران بعل، در کنار ویژگی‌های یوحنا تعمیددهنده، ایلیای دوم، در رویارویی او با هیرودیاس، هیروودس و سالومه، نشان می‌دهد که در ایام آخر، برای تحقق سوم و نهایمی یک کاربرد سه‌گانه—که همواره در ایام آخر است—ایلیا و یوحنا نماینده دو طبقه از قوم خدا هستند. یک طبقه که ایلیا نماینده آن است نمی‌میرند، و طبقه دیگر که یوحنا نماینده آن است می‌میرند. این دو طبقه در فصل هفتم مکاشفه نیز نمایان شده‌اند: صد و چهل و چهار هزار که نمی‌میرند، و جمعیت عظیمی که می‌میرند.

در سه بابل، عنصر مشابهی در پیام نبوتی این است که نخستین بابل را نمرود نمایندگی می‌کند، اما دومین بابل را نخستین و آخرین پادشاهان، نبوکدنصر و بلشصر، نمایندگی می‌کنند. نبوکدنصر نماینده کسانی در بابل است که نجات خواهند یافت، و بلشصر نماینده کسانی در بابل است که هلاک خواهند شد.

در ایام آخر دو قانون یکشنبه وجود دارد که موضوع نبوت کتاب مقدس‌اند. نخست، قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع در ایالات متحده است، و دوم، قانون یکشنبه‌ای که بر سراسر جهان تحمیل می‌شود. آن دو قانون یکشنبه با دو قانون یکشنبه پیشین نمونه‌وار شده‌اند: قانون یکشنبه روم بت‌پرست، هنگامی که کنستانتین در سال ۳۲۱ نخستین قانون یکشنبه را به اجرا گذاشت؛ و سپس قانون یکشنبه روم پاپی در سال ۵۳۸. روم بت‌پرست یکی از چندین پیش‌نمونه نبوی ایالات متحده است، و قانون یکشنبه سال ۳۲۱، پیش‌نمونه قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع در ایالات متحده است. قانون یکشنبه پاپی سال ۵۳۸ پیش‌نمونه قانونی است که بر سراسر جهان تحمیل می‌شود. دیدگاه معیوبی که می‌گوید ایالات متحده در باب یازدهم دانیال به وسیله «راهزنان» نمونه‌وار شده است، می‌کوشد قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع در ایالات متحده را به‌عنوان مدرک به کار گیرد تا ادعا کند قانون یکشنبه در ایالات متحده ثابت می‌کند که ایالات متحده روم مدرن است، و نادیده می‌گیرد که قانون یکشنبه دیگری نیز

وجود دارد که به وسیله اتحاد سه گانه اژدها، وحش و نبی کاذب بر هر ملت جهان تحمیل می شود.

اگر قانون یکشنبه در ایالات متحده، ایالات متحده را به عنوان روم مدرن معرفی می کند، پس قانون جهانی یکشنبه چه چیزی را معرفی می کند؟ سه دوره روم نشان می دهند که روم مدرن، که سه گانه است، دو قانون متمایز یکشنبه را به اجرا خواهد گذاشت. اولی در ایالات متحده است و نمونه اش قانون یکشنبه کنستانتین در سال ۳۲۱ بود، و دومی سراسر جهان است، و نمونه اش قانون یکشنبه پاپی سال ۵۳۸ بود. به کار گرفتن قانون یکشنبه در ایالات متحده، در چارچوب کاربرد سه گانه نبوت، برای ادعا کردن اینکه قانون یکشنبه ثابت می کند روم مدرن کدام است، به معنای نادیده گرفتن ویژگی های نبوی برقرار شده توسط روم بت پرست و روم پاپی است. در روزهای آخر دو قانون متمایز یکشنبه وجود دارد، و هیچ یک دلیلی برای اثبات این نیست که غارتگران قوم همان ایالات متحده اند. وقتی گواهی روم بت پرست و روم پاپی برای حمایت از یک تفسیر شخصی تحریف می شود، چنان که اکنون انجام می شود، این نشان می دهد که کسانی که می کوشند تفسیر شخصی خود را حفظ کنند، نمونه و ضد نمونه را نمی فهمند.

روم بت پرست نوع ایالات متحده است، و روم پاپی نمایانگر روم مدرن است. علاوه بر این سوء کاربرد «کاربرد سه گانه نبوت» و ادعای اینکه آنچه تعلیم داده می شود در چارچوب «نوع و ضد نوع» قرار دارد، ناکامی دیگری نیز هست: ناتوانی در تعریف «رجاست ویرانگر»، چنان که در چارچوب «کاربرد سه گانه نبوت» بازنمایی می شود.

از سال ۶۶ تا سال ۷۰ میلادی، دو سردار رومی به اورشلیم حمله کردند. هر دو سردار، سستیوس و تیتوس، کار را با محاصره آغاز کردند، اما تنها یکی از آنها برای مدت کوتاهی از محاصره عقب نشینی کرد که به گونه ای مشیت آمیز به مسیحیان امکان فرار داد. در نخستین محاصره به فرماندهی سستیوس بود که مسیحیان هشدار فرار را شناختند. وقتی تیتوس در سال ۷۰ میلادی برای ادامه جنگ علیه اورشلیم رسید، او نیز با محاصره آغاز کرد و دست نکشید تا زمانی که اورشلیم و معبد نابود شدند. هشدار عیسی شامل دو گام است. نخست نشانه فرار است و پس از آن آزار و تعقیب. در تحقق این هشدار در سده های پنجم و ششم، مسیحیان پیش از سال ۵۳۸ از کلیسای فاسد رومی جدا شدند و سپس آزار آغاز شد.

پولس به روشنی بیان می کند که تمام تاریخ مکتوب اسرائیل باستان برای کسانی نوشته شده است که در ایام آخر زندگی می کنند، و اینکه همه آن تاریخ ها نمونه هایی بودند؛ هرچند واژه یونانی «typos» به معنای «نمونه ها» در ارائه کلاسیک او از این حقیقت به «ensamples» ترجمه شده است.

اکنون همه آنها برای آنان به عنوان نمونه رخ داد؛ و برای تذکر ما نوشته شد، برای ما که پایان های جهان فرا رسیده است. اول قرن تیان ۱۰:۱۱.

روایت های تاریخی فصل دهم که پولس برای زمینه سازی این حقیقت به کار می برد، بیانگر رفتار عادلانه اسرائیل باستان نبودند.

اما خدا از بسیاری از آنان خشنود نبود، زیرا در بیابان هلاک شدند. این امور برای ما نمونه شد تا ما نیز مانند آنان مشتاق چیزهای بد نباشیم. و بت پرست نباشید، مانند بعضی از آنان؛ چنان که نوشته شده است: «قوم نشستند تا بخورند و بنوشند و برخاستند تا بازی کنند.» و زنا نکنیم، مانند بعضی از آنان که زنا کردند و در یک روز بیست و سه هزار نفر افتادند. و مسیح را نیز نیازماییم، مانند بعضی از آنان که آزمودند و به سبب مارها هلاک شدند. اول قرن تیان ۵:۱۰-۹.

تاریخ مقدس گزارشی از هم پارسایی و هم ناپارسایی قوم خداست، اما در هر دو صورت، این تاریخ همچنان الگویی برای قوم خدا که در ایام آخر زندگی می کنند به شمار می رود. تاریخ شورش در

مینیاپولیس در سال ۱۸۸۸، به‌رغم ادعاهای تاریخ‌نگاران ادونتیسست، گزارشی از ناپارسایی است. این شورش آن قدر عمیق بود که الن وایت تصمیم گرفت جلسه را ترک کند، و فقط به این دلیل ماند که فرشته‌ای به او گفت وظیفه اوست که بماند و شورش را که مشابه شورش قورح، داتان و ابیرام در تاریخ موسی بود ثبت کند. در همان جلسه، فرشته نیرومند باب هجدهم مکاشفه نازل شد، اما پیامی که آورده بود رد شد.

آن تاریخ پیش‌نمونه‌ای بود برای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هنگامی که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فروریختند. آن تاریخ شامل نخستین لایحه قانون یکشنبه بود که قرار بود توسط سناتور بلر ارائه شود. تلاش‌های او برای اجرای اجباری یکشنبه به‌عنوان روز ملی عبادت ناکام ماند، اما آن رویداد بخشی از تاریخی مقدس بود که پیش‌نمونه روزهای آخر بود. لایحه سناتور بلر هشدار می‌داد که برای گریختن از شهرها. پیش از ۱۸۸۸، وقتی خواهر وایت از ضرورت زندگی بیرون از شهرها سخن می‌گفت، آن را در زمان آینده بیان می‌کرد. او به زمانی در آینده نزدیک اشاره می‌کرد که در آن قوم خدا باید به مناطق روستایی نقل مکان کنند. پس از ۱۸۸۸، همه ارجاعات خواهر وایت به ضرورت زندگی روستایی، اندرز او را در این چارچوب قرار داد که زمان بودن در روستاها دیگر فرا رسیده بود. لایحه بلر در سال ۱۸۸۸ نشانه‌ای بود از اجرای اجباری یکشنبه، چنان‌که لوقا بیان کرده، در جایی که نباید باشد. اجرای اجباری یکشنبه نباید به کنگره ایالات متحده کشانده می‌شد، زیرا انکار یکی از اصول اساسی قانون اساسی بود.

تاریخ سال ۱۸۸۸ ثبت شد تا الگوی تاریخ نبوی‌ای باشد که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. لایحه بلر در ۱۸۸۸ نمونه قانون پاتریوت ۲۰۰۱ بود. آن هشدار می‌داد که پیش از اجرای عملی نشانه وحش آمد. هیچ‌کس که از مسیح پیروی می‌کند، نباید پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در شهری زندگی کند. آن محاصره نبوی بود که قوم خدا را به گریز فراخواند. و همان‌گونه که دو قانون روز یکشنبه موضوع الگوی نبوی روزهای آخر هستند، چنان‌که قوانین روز یکشنبه روم بت‌پرست و روم پاپی آن را نمایان می‌کنند، هر دو قانون یکشنبه پیشاپیش با هشدار گریز همراه‌اند.

برای کسانی که خود را ادونتیسست‌های روز هفتم می‌دانند، لازم بود قانون پاتریوت را از نظر نبوی به‌عنوان نشانه‌ای برای ترک شهرها و رفتن به مناطق روستایی، پیش از قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی می‌آید، تشخیص دهند. همان قانون یکشنبه نشانه‌ای بود برای گله دیگر خدا که هنوز در بابل هستند تا پیش از اجرای اجباری یکشنبه که قرار است بر هر ملت تحمیل شود، از بابل بیرون آیند.

"وقتی آمریکا، سرزمین آزادی دینی، با پاپیت در اعمال اجبار بر وجدان و واداشتن مردم به حرمت نهادن به سبت دروغین متحد شود، مردم هر کشور در سراسر جهان سوق داده خواهند شد تا از الگوی او پیروی کنند." شهادت‌ها، جلد ۶، ۱۸.

همان‌گونه که کاربرد سه‌باره «سه ایلیا» ثابت می‌کند که در ایام آخر دو طبقه از قوم خدا وجود دارد، کاربرد سه‌باره «روم» نیز نشان می‌دهد که دو قانون یکشنبه متمایز وجود دارد. کسانی که می‌خواهند ادعا کنند که ایالات متحده «غارنگران قوم تو» است و بنابراین نقش نبوی ایالات متحده «رؤیا را تثبیت می‌کند»، القا می‌کنند که قانون یکشنبه به‌زودی ایالات متحده همان «رجس ویرانی» است که مسیح آن را به‌عنوان هشدار برای قوم خود جهت گریختن از جفای در راه مطرح کرد. آنان در تشخیص تفاوت میان محاصره — که نشانه هشدار برای فرار است — و محاصره دوم — که زمانی را نشان می‌دهد که اجرای واقعی یک قانون یکشنبه جفای ایام آخر را آغاز می‌کند — ناکام می‌مانند. آنان به تفاوتی که بر اساس شهادت دو شاهد برقرار شده و می‌گوید باید دو قانون یکشنبه متمایز در ایام آخر نبوت را محقق سازند، نمی‌پردازند. بدین‌سان استدلال می‌کنند که قانون یکشنبه قریب‌الوقوع در ایالات متحده همان هشدار است که به‌صورت «رجس ویرانی»، گفته دانیال نبی، نمایانده شده؛ و

چنین هم هست، اما نه آن‌گونه که آنان تعریف می‌کنند.

قانون یکشنبه در ایالات متحده هشدار است برای گلهٔ دیگر خدا که هنوز در بابل‌اند تا از مشارکت با او بگریزند. از این رو، هشدار است دربارهٔ قانون یکشنبه در راه که بر همهٔ ملت‌ها اعمال خواهد شد.

"کشورهای خارجی از الگوی ایالات متحده پیروی خواهند کرد. هرچند او پیشگام است، اما همان بحران دامنگیر مردم ما در همهٔ نقاط جهان خواهد شد." گواهی‌ها، جلد ۶، ۳۹۵.

ادعای آنان این است که قانون یکشنبه در ایالات متحده آمریکا، این کشور را به‌عنوان نمادی که بینش نبوی را تثبیت می‌کند معرفی می‌کند؛ اما در زمینهٔ هشدار مسیح برای فرار، همان قانون یکشنبه نمایانگر هشدار جهانی به کارگران ساعت یازدهم است تا از بابل بگریزند.

وقتی خواهر وایت هشدار گریختن را مطرح می‌کند، به مسئلهٔ قانون یکشنبه‌ای می‌پردازد که سراسر جهان را فرا می‌گیرد. آن جنبش با قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود. او تصریح می‌کند که قانون یکشنبه در ایالات متحده هشدار جفایی است که در راه است.

به موجب فرمانی که، در نقض قانون خدا، نهاد پاپیت را به اجرا می‌گذارد، ملت ما خود را به‌کلی از پارسایی جدا خواهد کرد. هنگامی که پروتستان‌تیسیم دست خود را از فراز شکاف دراز کند تا دست قدرت رومی را بفشارد، هنگامی که بر فراز ورطه دست یازد تا با روح‌گرایی دست دهد، و هنگامی که تحت تأثیر این اتحاد سه‌گانه، کشور ما تمامی اصول قانون اساسی خود را به‌عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری نفی کند و زمینهٔ گسترش دروغ‌ها و فریب‌های پاپی را فراهم آورد، آنگاه می‌توانیم بدانیم که زمان کارهای شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده و پایان نزدیک است.

همان‌گونه که نزدیک‌شدن لشکرهای روم برای شاگردان نشانهٔ ویرانی قریب‌الوقوع اورشلیم بود، این ارتداد نیز می‌تواند برای ما نشانه‌ای باشد که حد بردباری خدا به نهایت خود رسیده، پیمانۀ گناه قوم ما پر شده، و فرشتهٔ رحمت در شرف پرکشیدن است و دیگر هرگز باز نخواهد گشت. سپس قوم خدا در آن صحنه‌های رنج و تنگی فرو خواهد رفت که انبیا آن را زمان تنگی یعقوب وصف کرده‌اند. فریادهای مؤمنان آزاردیده به آسمان برمی‌خیزد. و همان‌گونه که خون هابیل از زمین فریاد می‌زد، از گورهای شهیدان، از گورهای در دل دریا، از غارهای کوهستان، از سرداب‌های صومعه‌ها نیز صداهایی به سوی خدا برمی‌خیزد: «تا به کی، ای خداوندِ قدوس و حق، داوری نمی‌کنی و خون ما را از آنان که بر زمین ساکن‌اند انتقام نمی‌گیری؟» گواهی‌ها، جلد ۵، ۴۵۱.

خواهر وایت قانون یکشنبه را در ایالات متحده شناسایی می‌کند و آن را «نشانه‌ای» می‌داند که زمان مهلت برای ایالات متحده به پایان رسیده است. اما قوم خدا در دیگر ملت‌های جهان نیز با همان آزمون روبه‌رو خواهند شد. از زمان قانون یکشنبه در ایالات متحده تا هنگامی که میکائیل برمی‌خیزد و مهلت بشر پایان می‌یابد، دوره‌ای زمانی وجود دارد. وقتی این مهلت پایان یابد، «فرشتهٔ رحمت پر می‌کشد.»